

### متن پرسش

با سلام: گمان می‌کنم که در تجلی خلقی و فعلی حق تعالی وقتی حق متعالی با اسماء مطهره خود در عین ثابتی تجلی می‌کند و اون عین و مخلوق به ظهور خلقی می‌آید. مثل من و شما و... در واقع به ادله اصالت وجود که وجود و ماهیت رو ۲ گانه نمیدونه و یگانگی مطرح میشه. اسماء الهی هم با اون عین، یگانگی داره یگانگی موقعی است ک یکی صرف پذیرش و دیگری فعلیت صرف و اصیل باشه. پس در واقع آنچه که واقعا در عوالم ظاهره و موجوده اسماء الهی است. تمام مخلوقات نیستند جز اسماء الله که به محدوده ای ظاهره. هیچی جز اسم الله در عالم ظاهر و موجود نیست. و اسماء هم که در ذات الهی فانیه پس حق متعال فقط در صحنه است. و تمام اسماء و تعینات فانی در اوست. باز سوال همیشگی من که دست بردار نیست: پس ماهیت و محسوسات مادی که به چشم میان چیستند؟ عجیب اینجاست که ما در اثر مواجهه با اسماء الله اشکال و قیافه برامون ظاهر میشه نه اسماء آن هم اسمائی که در ذات فانی هست. در واقع ذهن ما با نظر استقلالی به تعین اسماء ماهیت و شکل و آنچه مبصر و مسموع و ... است مشاهده میکنه. ذهن این رو در مواجهه با خارج در خود انشاء میکنه و گرنه در خارج از ذهن ما به معنای دقیق فقط خداست. لیس فی الدار غیره دیار.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- ماهیات، صورت‌های تجلی انوار الهی در محدوده‌ی هویت خاص خود هستند و سالک باید متوجه باشد که آن محدودیت را به حضرت حق نسبت ندهد. ۲- از آن جهت که ماهیات، جنبه‌ی محدودکنندگی دارند ولی حضرت حق در هیچ محدوده‌ای نمی‌گنجد، موضوع وحدت در عین کثرت، و کثرت در عین وحدت، که دقیق‌ترین موضوع توحید است، به میان آمده است. بدین معنا که نور حق از همان جهت که در وحدت و یگانگی است، در آینه‌ی محدود کثرات ظهور دارد و از همان جهت که در آینه‌ی محدود کثرات ظهور دارد، در حقیقت یگانگی خود مستقر است. و این راز بسیار بزرگی است که قلب، می‌یابد و نه عقل مفهوم‌گرا، که مفهوم کثرت را غیر از مفهوم وحدت، و مفهوم وحدت را غیر از مفهوم کثرت می‌یابد. موفق باشید